«آرمان ملی» ۳ ساحت تغییر در اصلاح‌طلبی را بررسی می‌کند:

# زبان همدلانه با مردم؛ نقد دلسوزانه؛ گفتمان واقع‌نگرانه

مرتضی مبلغ: سرمایه اجتماعی فقط برای اصلاح‌طلبان از دست نرفته است

**آرمان ملی - حمید شجاعی:** پویایی، بالندگی، نوزایی، باز تعریف و مفاهیمی از این دست بارها در خصوص لزوم تغییر در اصلاح‌طلبان به‌کار برده شده و خود اصلاح‌طلبان نیز بر لزوم این تغییر در ساحت‌های مختلف تاکید داشته‌اند. اما با وجود تاکید چند ساله بر این موضوع هنوز عزمی برای تغییر و آسیب‌شناسی درون‌گفتمانی در میان اصلاح‌طلبان مشاهده نمی‌شود. قدر مسلم اصلاح‌طلبان خود به خوبی می‌دانند که اگر بدون هیچ تغییری همین‌طور مسکوت پیش بروند کم‌کم از صحنه سیاست عملی کنار خواهند رفت ونه تنها سرمایه اجتماعی خود را باز نخواهند یافت بلکه دگر تاثیر چندانی هم در جامعه نخواهند داشت. پس بهتر است برای کنشگری موثرتر و بهتر در جامعه به سمت و سوی تغییر و نوزایی حرکت کنند.

**راهکارهای کنش سیاسی موثر**

سال‌های میانی دهه ۷۰، سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ و سال‌های میانی دهه ۹۰ را می‌توان به عنوان مقاطعی برای کنش فعال سیاسی اصلاح‌طلبان در نظر گرفت که در آن همراه با کنشگری طعم پیروزی را هم چشیدند و از پی آن به نهادهای انتخابی از جمله ریاست جمهوری، مجلس و شوراها راه یافتند. اما آنچه که موجب شد تا این پیروزی‌ها برای اصلاح‌طلبان رقم بخورد ناشی از دو مولفه بود. نخست گفتمان متفاوت آنها که مورد پذیرش و قبول جامعه بود و دیگری سرمایه اجتماعی عظیم که به پشتوانه آن در انتخابات مختلف موفق بودند. این در حالی است که برخی از جمله عده‌ای از اصلاح‌طلبان بر این عقیده‌اند که شکاف میان اصلاح‌طلبان و مردم از بعد از انتخابات‌های سال‌های ۹۶ به‌وجود آمد و رفته رفته بیشتر شد. چنانکه اصلاح‌طلبان تبعات آن را در انتخابات‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ دیدند. قدر مسلم آنچه باعث شده امروز اصلاح‌طلبان نتوانند مثل سابق کنشگری کنند و به عبارتی حرفشان خریدار نداشته باشد به چند موضوع باز می‌گردد. نخست مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه که دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان نتوانست برای آن چاره‌اندیشی کند و موجبات نارضایتی و اعتراض مردم را فراهم آورد و ضربه مستقیم این مساله نیز به اصلاح‌طلبان وارد آمد. نکته دیگر بحث عدم تحقق وعده‌های اصلاح‌طلبان و دولت به مردم بود که باعث شد سرمایه اجتماعی آنها ریزش کند. چنانکه امروز خود اصلاح‌طلبان بر این باورند که باید صدای مطالبات مردم باشند و راه حلی برای حل مشکلات مردم پیدا کرده و ارائه دهند. نکته مهم دیگر نیز قطع شدن ارتباط اصلاح‌طلبان با بدنه جامعه است. چیزی که موجب شده همان گپ و شکاف پدید آید. آنچه مسلم است زبان گفت‌وگوی اصلاح‌طلبان با مردم باید تغییر کند و مردم اصلاح‌طلبان را دغدغه‌مند و از خود بدانند. آخرین نکته نیز به بحث بازنگری در راهبردها، ساختار، رویکردها و آسیب شناسی و نقد درونی باز می‌گردد. امری که بارها بدان تاکید شده اما همچنان در عمل چیزی مشاهده نمی‌شود. احمد حکیمی‌پور در این خصوص به «آرمان ملی» می‌گوید: «اصلاح‌طلبان بی‌عمل نیستند بلکه نمی‌گذارند اصلاح‌طلبان عملی کنند. و عملا اصلاح‌طلبان را به نوعی به حاشیه رانده‌اند. وقتی اجازه کنشگری داده نمی‌شود و عملا فضا را می‌بندند نمی‌توان گفت اصلاح‌طلبان منفعل شده‌اند. اصلاح‌طلبان وقتی در قدرت هم هستند اجازه نمی‌دهند آب خوش از گلویشان پایین برود اگر مقدار کمی از همین حمایت‌ها در دوره اصلاحات انجام می‌شد دستاوردها بیشتر از امروز بود هر چند که دستاوردهای زیادی در دوره اصلاحات داشتیم.» حال باید دید که اصلاح‌طلبان به تغییر درونی و بازیابی گفتمانی خود برای بازیابی سرمایه اجتماعی می‌پردازند یا همچنان طبق روال گذشته به فعالیت سیاسی خود ادامه خواهند داد.

**سه ساحت تغییر**

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره آینده اصلاح‌طلبان اظهار داشت: آینده اصلاح‌طلبان به عوامل مختلفی بستگی دارد. که یک عامل آن به تحولات جامعه برمی‌گردد. یکی از عوامل هم می‌تواند به خود دستگاه‌های حاکمیتی برگردد. مرتضی مبلغ درباره لزوم تغییر زبان اصلاح‌طلبان گفت: تغییر زبان اصلاح‌طلبان باید در سه ساحت اتفاق بیفتد. یک، باید زبان اصلاح‌طلبان با درد، رنج، مسائل و مشکلات مردم هماهنگ و همدل باشد. این نکته بسیار مهم است. زبانی را دنبال کنند که همدلانه با مسائل و مشکلات و نیازهای اقشار مختلف جامعه باشد. وی ادامه داد: ساحت دوم هم مربوط به نقدهای دلسوزانه و بسیار هشدار دهنده به نحو خیلی جدی‌تر و صریح‌تر به دستگاه‌های هیأت حاکمه است. یعنی دستگاه‌های هیأت حاکمه را هرچه بیشتر نسبت به سیاست‌های غلط و مخاطره‌آمیزی که باعث پیدایش چالش‌ها و مشکلات بزرگ برای جامعه و مردم شده است، متوجه کرده و آنان را به هر نحو متقاعد کنند که تغییر سریع و سازنده در رویکردها و سیاست‌ها، هم به نفع خودشان و هم به نفع جامعه است. یعنی نقدها باید به شکلی باشد که باعث تجدیدنظر جدی و اساسی در رویکردها و سیاست‌ها شود تا شرایط مساعدتر و مناسب‌تری در جامعه فراهم کند. مبلغ عنوان کرد: ساحت سوم، مربوط به فاصله گرفتن از ادبیات و گفتمان‌هایی است که به ناامیدی و سرخوردگی بیشتر جامعه منجر می‌شود. امید، اکسیر گشایش و برون‌رفت از مسائل و مشکلات و ناامیدی هم ورود به سیاه چاله‌های خطرناک است. یکی از جنبه‌های مهمی که اصلاح‌طلبان باید ادبیات و زبان خودشان را تغییر دهند این است که در شرایطی که از یک سو برخی رفتار و رویکردهای دستگاه‌های مختلف موجب سرخوردگی و ناامیدی روزافزون شده و می‌شود و از سوی دیگر عملیات روانی گسترده و سیستماتیک دشمنان کشور و مردم مستمرا القای یأس و ناامیدی در جامعه می‌کند، گفتارها و گفتمان‌های امیدبخش و واقع‌بینانه به جامعه ارسال و آن را ترویج کنند. همچنین در عین اینکه متوجه مشکلات بوده و به دنبال حل مشکلات هستند، به جای اینکه ناامیدی و سرخوردگی در جامعه تشدید شود، مردم را امیدوار و امیدوارتر کنند.

**علت قبول نکردن رهبری اصلاحات**

معاون سیاسی وزیر کشور دولت اصلاحات درباره از دست رفتن سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان و راهکارهای برگرداندن این سرمایه اجتماعی بیان کرد: به طور کلی، از دست رفتن سرمایه اجتماعی برای همه از جمله اصلاح‌طلبان، به ویژه برای حاکمیت اتفاق افتاده است. اصلاح‌طلبان برای بازسازی سرمایه اجتماعی خود اولین گامی که باید خیلی جدی‌تر از گذشته بردارند، این است که با حضور جدی‌تر و فعال‌تر در بدنه و لایه‌های اجتماعی به طور مستقیم و انضمامی با مشکلات و نیازهای اقشار مختلف جامعه آشنا شده و به آنها توجه اختصاصی کنند. به‌ویژه آنکه امروز علاوه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی، مشکلات و موضوعات گسترده اجتماعی و فرهنگی هم حادث شده است که باید به آنها هم توجه همتراز کرد. وی اظهار کرد: اصلاح‌طلبان باید صدای اقشار ضعیف و بی‌صدا باشند و در راستای کاهش دردها و رنج‌های مردم، صدایشان را به دستگاه‌های حاکمیتی برسانند. مرتضی مبلغ درباره رهبری اصلاحات و اینکه چرا آقای خاتمی رهبری جریان اصلاحات را نمی‌پذیرد بیان کرد: دو نکته درباره قبول نکردن رهبری اصلاحات توسط آقای خاتمی وجود دارد. یکی اینکه ایشان معتقدند جریان اصلاحات، جریانی نیست که بخواهد در درون خود رهبری با یک چهره شاخص داشته باشد. نکته دوم این است جریان اصلاح‌طلبی جریانی است که به دنبال شخصیت‌پروری نیست تا بخواهد یک شخصیت تولید کرده و آن فرد را رهبر خود کند.

---

خداحافظی با تریبون آزاد و سلفی با دختران خارجی نزدیک است؟

# پایان مرد متناقض در مجمع!

جوانفکر از محدودیت دسترسی احمدی‌نژاد به اطلاعات و اخبار خبر داد

**آرمان ملی - مطهره شفیعی:** آخرین باری که به دفتر او رفتیم بسیار خلوت و ساکت بود. فقط علی‌اکبر جوانفکر و عبدالرضا داوری حضور داشتند که البته جوانفکر برخلاف احمدی‌نژاد که سعی داشت خودش را آرام نشان دهد، چهره‌ای گرفته و ناراضی داشت چرا که به‌خوبی می‌دانست پاسخ‌های احمدی‌نژاد چالش‌زا خواهد بود. احمدی‌نژاد را نمی‌توان از خبرسازی جدا کرد؛ حتی زمانی که سکوت می‌کند باز هم باید منتظر اظهارنظر یا اقدام حاشیه‌ساز پس از پایان سکوتش بود. او تمایل دارد که دیده شود اما این دیده شدن تبعاتی برای کشور دارد چه آن زمان که به نمایشگاه اکسپو دوبی رفت و با دختران بی‌حجاب عکس انداخت و چه زمانی که صوت‌هایش درباره موضوعات مختلف کشور این سوال را ایجاد می‌کند که آیا او در داخل کشور اینگونه سخن می‌گوید؟ به هر حال احمدی‌نژاد خطوط قرمز را زیر پا می‌گذارد اما این مرحله هم پایانی دارد و همیشه دنیا به کام او نخواهد چرخید. نکته قابل تامل آنجاست که او پس از دوران ریاست جمهوری به‌ویژه در سال‌های اخیر اقدامات و اظهاراتی را بدون اشکال قلمداد می‌کند که بسیاری به‌خاطر همان اظهارات و اقدامات در دوران ریاست جمهوری او مواخذه و طرد شدند. اگر به اظهارات احمدی‌نژاد دقت شود او هیچگاه از رفتارهای صورت گرفته با رقبا و جوانان در زمان ریاست جمهوری‌اش اظهار پشیمانی نمی‌کند بلکه سعی دارد با سکوت درباره آنچه گذشت، چهره‌ای دموکرات و مدافع آزادی از خودش به نمایش بگذارد اما هنوز فراموش نمی‌شود که ۴۶ نشریه در دولت او توقیف شدند و فیلم‌های سینمایی کارگردان‌های مشهور اجازه پخش پیدا نکردند.

**خداحافظی با مجمع تشخیص**

اقدامات او سبب شد تا اطرافیانش ترجیح دهند به بهانه‌های مختلف از او دور شوند چرا که می‌دانستند مسیری که احمدی‌نژاد انتخاب کرده، آینده خوبی برای آنها رقم نمی‌زند. عبدالرضا داوری یکی از نزدیکان او بود که مسیر متفاوتی را پیمود. او نه تنها از احمدی‌نژاد جدا شد بلکه علیه او صحبت‌های زیادی کرده و می‌کند. مانند دیروز که مدعی شد احمدی‌نژاد دیگر جایی در مجمع تشخیص مصلحت ندارد. او تصریح کرد: «مدت‌هاست دسترسی آقای احمدی‌نژاد به اطلاعات و اخبار محدود شده و به دلیل فاصله‌ای که از کانون قدرت دارند، او از مرداد ۱۴۰۱ دیگر در مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور نخواهد داشت.» پیش از او هم باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته بود: «احساس می‌کنم آقای احمدی‌نژاد به موقعیتی رسیده است که دارد فریاد می‌زند بیایید من را بگیرید؛ دستگیری آقای احمدی‌نژاد بهترین اتفاق برای وی است. نظام بزرگوارتر و زیرک‌تر از آن است که به احمدی‌نژاد این فرصت را بدهد.»

**مملو از تناقض است**

عبدالرضا داوری همچنین روز گذشته گفت: آقای احمدی‌نژاد همیشه، تمایل شدیدی به دیده شدن داشتند و این حرف‌ها را می‌زنند تا بتوانند خودشان را در سطح رسانه‌ها حفظ کنند. داوری افزود: نکته اینجاست که احمدی‌نژاد همیشه از ابتدای ریاست جمهوری، تمایل شدیدی به دیده شدن داشتند. این حرف‌ها را می‌زنند تا بتوانند خودشان را در سطح رسانه‌ها حفظ کنند. من شما را به اسفند سال ۸۶ ارجاع می‌دهم. وی قبل از انتخابات سال ۲۰۰۹ آمریکا در مصاحبه با یک رسانه اسپانیایی و در حالی که رقابت میان باراک اوباما و جان مک کین بود گفت هیات حاکمه آمریکا اجازه نمی‌دهد تا اوباما رئیس‌جمهور آمریکا شود. سال گذشته در همین ایام یک نامه به سران کشورهای خلیج فارس و حسن روحانی نوشت که آمریکا به زودی در منطقه جنگ بزرگی برپا خواهد کرد و در دوم اردیبهشت امسال هم در سخنرانی اعلام کرد آقای رئیسی از حضور در انتخابات منع خواهد شد و به ایشان می‌گویند در انتخابات نامزد نشود چرا که حاکمیت می‌خواهد یک فرد خاصی را به ریاست جمهوری برساند. امروز هم که این پیش بینی عجیب و غریب را انجام دادند. این فعال سیاسی اعلام کرد: احمدی‌نژاد با تمام خبرها و تحلیل‌هایی که انجام می‌دهند، به‌زعم خودش می‌خواهد بمبی را بترکاند تا توجهات را به سمت خودش جلب کند. نکته دیگر این است وقتی شما می‌خواهید تحلیل محتوا درباره صحبت‌های او به ویژه بعد از تحلیل‌هایی که درباره عدم حضور آقای رئیسی انجام داد، بدهید، می‌بینید که او دیگر مورد توجه مردم نیست. او در پایان گفت: می‌خواهم بگویم او مملو از تناقض است. احمدی‌نژاد تلاش می‌کند تا به او در فضای عمومی توجه شود. حالا می‌بیند به او توجه نمی‌شود. او فکر کرد اگر انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کند، مشارکت عمومی به ۱۵ درصد خواهد رسید و دیدید که این تحلیل او هم به نتیجه نرسید.

**اقدام علیه امنیت ملی**

رسانه دولت هم دیروز نوشت: «آقای احمدی‌نژاد مدعی شده است که به‌واسطه اطلاع دقیق، روسیه و آمریکا بر سر ایران و اوکراین معامله کرده‌اند؛ به این معنا که آمریکا چراغ سبز حمله روسیه به اوکراین را بدهد و از سوی دیگر، روسیه نیز مانعی بر سر حرکت آمریکا به سمت ایران فراهم نکند. گرچه این ادعای آقای احمدی‌نژاد رسماً اقدام علیه امنیت ملی است اما نکته مهم‌تر این است که باید مشخص شود این دقت در اطلاعات غلط و ساختگی از کدام سمت به ایشان تزریق شده است؟ چراکه مشخصاً این ادعاها از یک‌سو در پی تخلیه فرصت‌های اقتصادی کشور در جنگ تحریمی و برهه حساس توازن سیاست خارجی است و از سوی دیگر افکار عمومی را به سمت «ترس از جنگ» هدایت می‌کند و یادآور آن جمله معروف است که «النصر بالرعب: پیروزی به‌واسطه ترساندن محقق می‌شود.» سؤال دیگر اینجاست که آقای احمدی‌نژاد به دنبال تحقق منافع چه کسانی است و این پیروزی ناشی از ترساندن ملت ایران را به چه کسانی هدیه می‌دهد؟ آقای احمدی‌نژاد از کجا اطلاع دقیق می‌گیرد؟»

---

## شعار نه شرقی نه غربی برای دوره مصدق بود

سفر رئیس‌جمهور به روسیه و سفر وزیر خارجه به چین سبب طرح این سوال شد که آیا هنوز باید شعار نه غربی نه شرقی سرداده شود؟ مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت امور خارجه گفت: شعار نه شرقی نه غربی نمادی از سیاست موازنه منفی بود که در زمان محمد مصدق اعلام شد که طی آن ایران نه به شرق وابستگی داشته باشد و نه به غرب. یعنی نه به بلوک شرق یعنی شوروی و نه بلوک غرب که منظور ناتو بود. قاسم محبعلی افزود: بعدها غیرمتعهدها نیز بر اساس شعار مصدق تشکیل شد که سیاست عدم تعهد شکل گرفت. مبنای انقلاب اسلامی ایران نیز بر آن بود که به دو طرف جنگ سرد وابسته نشود. البته باید در نظر داشت که شرق و غرب به آن مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک دیگر وجود ندارد. بلکه رقابتی است بین غرب به معنای اروپا و آمریکا و کشورهایی که به لحاظ اقتصادی مشابه هستند مانند روسیه و چین.

## من که شکایتی ندارم!

از ریاست صداوسیما به وزارت جهانگردی صعود کرد. آنجا هم اقداماتی انجام داد که از نگاه برخی مثبت و از نگاه منتقدان غیرضروری بود. او دیروز در افتتاحیه پانزدهمین نمایشگاه گردشگری و صنایع دستی تهران گفت: از هیچ رسانه‌ای شکایت ندارم. همه ما باهم هستیم. با گلایه کردن هیچ چیزی حل نمی‌شود. هر رسانه‌ای در وظیفه‌اش و نیاز ما است که اطلاع‌رسانی و انتقاد کند. عزتا... ضرغامی ادامه داد: متوجه شدم رسانه‌ای روشنگری کرده و از او شکایت شده است، دستور پیگیری دادم که با پیگیری قائم مقام وزارتخانه جلو این موضوع گرفته شد. وی با اشاره به ضرورت توسعه بوم‌گردی‌ها و تسهیل روند راه‌اندازی آن‌ها به برخی مخالفت‌ها با این اقامتگاه‌ها اشاره کرد و این مخالفت‌ها را بی‌دلیل و بی‌مورد دانست و بیان کرد: در برخی حوزه‌ها می‌گویند باید مراقب قشر خاکستری بود. به شدت با این اصطلاحات مخالفم. ما خودمان را قشر خاکستری می‌دانیم. این تقسیم‌بندی‌ها، ما را در این سال‌ها گرفتار کرده است.

## اخراج اساتید سیاسی یا غیرسیاسی؟

اخراج دو استاد معروف از دانشگاه در روزهای اخیر سبب اعتراضات زیادی شده است. دیروز رئیس دانشگاه تهران در مورد اساتید اخراجی گفت: لغو همکاری با اساتید دلیل سیاسی ندارد. سید محمد مقیمی در پاسخ به سوالی درمورد لغو همکاری با برخی اساتید تاکید کرد: «لغو همکاری با اساتید به دلایل سیاسی و نوع نگرش سیاسی آنها نبوده است. من اعلام می‌کنم هر عضو هیات علمی که لغو قرار داد شده باشد و دوباره درخواست بازگشت به کار بدهد حتما مورد رسیدگی عادلانه قرار می‌دهیم.» اما برخی دیگر نظر متفاوتی دارند مانند تقی آزادارمکی استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در واکنش به اخراج اساتید از دانشگاه گفت: هر کسی که به قدرت می‌رسد، متاسفانه این را در دستور کار دارد تا عده‌ای که با او مخالف بوده و همرنگ نیستند، حذف کند و در دوره اصولگرایی امروز و پیشین این اشتباه محاسباتی بیشتر دیده می‌شود.

---

گزارش

ارزیابی کارشناسان از آینده پیش روی اقتصاد پس از توافق وین

## تکلیف اف‌ای‌تی‌اف باید روشن شود

برجام والفجر مقدماتی برای شکوفا شدن اقتصاد است

**آرمان ملی:** تجربه امضای برجام و اتفاقات پس از آن در سال ۱۳۹۴، این انتظار را در افکار عمومی ایجاد کرده است که اقتصاد ایران پس از امضای برجام با گشایشی محسوس مواجه شود. این در حالی است که تجربه شوک ارزی رخ داده در سال ۱۳۹۷، پس از خروج آمریکا از توافق برجام تعمیق مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های گذشته در کنار روشن نبودن دقیق مفاد مورد توافق در مذاکرات وین سبب شده است برخی با خوش‌بینی کمتر به آینده پیش‌رو بنگرند و بهبود وضعیت اقتصادی ایجاد گشایش را در گرو حل بحران‌های قابل توجه اقتصاد بدانند. در این راستا مهدی پازوکی، کارشناس اقتصادی در توضیح تاثیرات توافق وین، در صورت حصول گفت: برجام والفجر مقدماتی برای شکوفا شدن اقتصاد ایران است. خبرآنلاین نوشت؛ وی ادامه داد: بیست درصد مشکلات اقتصادی ایران مربوط به ارتباطات بین‌المللی اقتصادی است و حل آن به احیای برجام یا توافقی جدید در وین مرتبط است و هشتاد درصد بحران‌ها به مدیریت اقتصادی، نظام تصمیم سازی کارشناسی و سیاست‌گذاری کلان اقتصادی باز می‌گردد. وی با تاکید بر اینکه عقیده دارد بیست و چهار میلیون رای آقای روحانی در دومین دور ریاست جمهوری برخاسته از برجام و حل ملموس مشکلات اقتصادی بود، گفت: حال کسانی که به موثر نبودن برجام اشاره دارند بهتر است آمارها را پس از خروج آمریکا یا بهتر بگویم ترامپ از برجام مرور کنند. وقتی در سال ۹۷، ترامپ یکطرفه از برجام خارج شد، شاخص‌ها فرو ریخت. این تجربه نشان می‌دهد تعامل با جامعه جهانی در اقتصاد همه کشورها از جمله ایران موثر است و اگر اقتصاد بسته باشد بهترین تصمیمات نیز نمی‌تواند تاثیر چندانی بر وضعیت اقتصادی به جا بگذارد. این استاد دانشگاه گفت: در اقتصاد بسته، مشکلات روزبه روز بیشتر می‌شود. تحریم‌ها باعث می‌شود رشد اقتصاد و سرمایه‌گذاری در کشور منفی شده و بیکاری و تورم افزایش یابد. پس نمی‌توان اثر تحریم را نادیده گرفت. وی با پیش‌بینی امضای توافق و احیای برجام گفت: حالا امضای برجام همه مشکلات را حل می‌کند؟ پاسخ منفی است چرا که اینجا دیگر پای مدیریت اقتصادی و نظام تصمیم سازی به میان می‌آید و قرارگیری تصمیمات در مدار عقلانیت می‌تواند متضمن حل بحران باشد. در این نشست سید مرتضی افقه، استاد دانشگاه شهید چمران و کارشناس ارشد اقتصادی با اشاره به صورت تصویب FATF گفت: حل مشکلات مستلزم آزادسازی منابعی است که بلوکه شده و برقراری جریان ورود پول حاصل از صادرات به کشور که در صورت عدم پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف نمی‌توان به این مساله چندان امیدوار بود این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: به نظر من بعید است دولت فعلی بتواند شرایط اقتصادی را عادی‌سازی کند. اگر منابعی که از کره جنوبی و چند کشور طلب داریم آزاد شود مقداری از فشارها بر بودجه دولت کاسته می‌شود و در کل اوضاع بدتر از این نمی‌شود.

**کاسبان تحریم را دریابید**

علی شریعتی فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی ایران نیز در این نشست با اشاره به تجربه فعالیت اقتصادی خود در بخش صادرات در دوران تحریم گفت: هر روزی که از تحریم گذشت، کار سخت‌تر شد. وی افزود: برای دور زدن تحریم قبلا یک شرکتی در کشورهای دیگر می‌زدند و تحریم‌ها را دور می‌زدند اما به چشم دیدم در ارمنستان نمایندگان پمپئو در سفارت آمریکا می‌نشستند و شرکت‌ها را یکی یکی احضار و بررسی می‌کردند. وی ادامه داد: یادمان هست چقدر در داخل برجام را به سخره می‌گرفتند. این‌ها دیگر مهم نیست. مهم این است همه به این نتیجه رسیدند باید با دنیا آشتی کنیم. اینکه چقدر برجام می‌تواند موجب رونق شود یا نه، بحث دیگری است. الان باید این بیمار را نجات دهیم و بعد ببینیم چطور حالش را بهتر کنیم. وی با اشاره به اینکه امکان تحقق برجام بالاست، گفت: به کلیدواژه کاسبان تحریم و تحریم کنندگان داخلی دقت کنید، ببینید سر ماجرای واردات واکسن چقدر فعالیت مخرب کردند و بالاخره این اتفاق افتاد، حالا هم دست از تلاش بر نمی‌دارند. وحید شقاقی شهری هم با اشاره به اینکه تعلل در حل مشکلات روابط بین‌المللی و منطقه‌ای فرصت را از ما خواهد گرفت، افزود: اگر برجام زودتر به نتیجه می‌رسید از قیمت بالای نفت امروز منتفع می‌شدیم. باز هم تاکید می‌کنم هر روز تاخیر به ضرر ماست و باید در کنار برجام تکلیف اف‌ای‌تی‌اف را نیز روشن کنیم. وی گفت: امیدواریم برجام سریعتر امضا شود. بعد سراغ FATF برویم و تعیین تکلیف شود. نصراله زارعی، کارشناس اقتصادی نیز در این خصوص با اشاره به اینکه برجام موجب رشد و رونق بازار نفت ایران در جهان شد، گفت: کسی نمی‌تواند گشایش‌ها را انکار کند. شرکت‌های بین‌المللی آمدند و صادرات به حدود ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسید و به قیمت ۶۰ دلار فروخته شد. برجام اثرات اقتصادی خوبی داشت. کسری بودجه باعث تورم است. عامل اصلی کسری بودجه عدم تحقق درآمدهای نفتی است. در این نشست، محمدرضا جهان‌بیگلری، اقتصاددان نیز گفت: از آنجا که اقتصاد ما وابسته به نفت و تعاملات بین‌المللی است، توافقات بین‌المللی بر اقتصاد ما اثر می‌گذارد. برجام سرفصل‌های محدودکننده‌ای برای اقتصاد ما داشت که طی زمان این محدودیت‌ها برطرف می‌شد. به همین خاطر ایران قبول کرد و به تعهدات خود عمل کرد ولی طرف مقابل به این تعهدات عمل نکرد. وی نیز تاکید کرد: مساله FATF باید در زمانی که توافقات صورت گرفت، حل شود چرا که بودن یکی بدون حضور دیگری تاثیری بر اقتصاد ما نخواهد داشت. به گفته وی ضرورت دارد در دوره جدید ایران به سمت اقتصاد بدون نفت حرکت کند.

---

گفت‌وگو

مهدی ذاکریان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## برخی از تنش‌زدایی ایران و آمریکا ناراحتند

اظهارات وزیر خارجه در راستای تامین منافع ملی بود

اخلال در مسیر مذاکرات ضد منافع ملی است

**آرمان ملی - علیرضا پورحسین:** مذاکرات احیای توافق هسته‌ای در حالی که مذاکره کنندگان برای مشورت‌ها و تصمیم گیری‌های سیاسی درباره اقداماتی که ظرف چند روز آینده باید انجام شود، به پایتخت‌ها باز گشته‌اند، در حال ورود به مرحله نهایی خود است. دیپلمات‌های غربی برای احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، با ضرب‌الاجلی در اواسط فوریه مواجه‌اند که خودشان تعیین کرده‌اند. آن‌ها نگران پیشرفت‌های هسته‌ای سریع ایران از زمان خروج آمریکا از توافق در سال ۲۰۱۸ هستند و همچنین نگران گزارش قریب‌الوقوع دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل هستند که انتظار می‌رود جزئیات بیشتری از توسعه‌های هسته‌ای ایران ارائه دهد که می‌تواند باعث ایجاد اصطکاک‌های جدیدی در این زمینه شود. با این وجود برخی نیز کنار گذاشتن برخی چهره‌ها از تیم مذاکره کننده و سخنان وزیرخارجه ایران را نیز امیدوارکننده می‌دانند. در راستای بررسی این مسائل «آرمان‌ملی» گفت‌وگویی با مهدی ذاکریان، تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

**تغییر و تحول‌های پی‌درپی در تیم مذاکره کننده آمریکا به چه علت است؟**

باید توجه داشت که نظام سیاسی در آمریکا متکی به افراد نیست. امروز نیز یک اراده سیاسی در نظام سیاسی آمریکا وجود دارد که توافق با ایران حاصل شود و تیم مذاکره کننده نیز زیاد موثر نیست که این یک اتفاق خوب است. از سوی دیگر نیز تیم مذاکره کننده ایران به رغم انتقادها نیز تلاش مثبتی داشته‌اند هرچند در برخی موارد بر آن‌ها انتقاد نیز وارد است. نشانه‌ها بیانگر این است که به سمت یک توافق موفق در حال حرکت هستیم که مورد قبول طرفین است به این شکل که هم ایران و هم طرف‌های برجام نسبت به آن نگاه مثبت دارند. به همین علت می‌توان متصور بود که بزودی ایران با ترکیب ۵+۱ مذاکره خواهد کرد. امروز در حال انتقال از ۴+۱ به ۵+۱ هستیم و این یک اتفاق است و نیاز است تا تمهیدات لازم در این خصوص انجام شود.

**مخالفت‌ها و انتقادات علیه دستگاه دیپلماسی به علت اینکه مذاکره با آمریکا مطرح شده است را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ارائه پیشنهاد و نقد در یک کشور آزاد امری طبیعی است. به همین علت انتقاد از دستگاه دیپلماسی را باید مثبت ارزیابی کرد که موجب توسعه سیاسی می‌شود و می‌تواند تبعات مثبتی داشته باشد. از سوی دیگر حمله کردن، اخلال و توهین قطعا راهکار درستی نیست. امروز وزیر خارجه و رئیس‌جمهوری ایران پیشنهادهای منطقی مطرح کرده‌اند مبنی بر اینکه اگر آمریکایی‌ها تحریم‌ها و خصومت‌ها را کنار بگذارند و اعمال این چنینی خود را تکرار نکنند، آماده رایزنی هستیم. این یک پیشنهاد خوب و معقول است. امروز قطعا نقدی بر وزیرخارجه ایران وجود ندارد اما به شخص رئیس‌جمهوری نقد وارد است که در گذشته اصرار می‌کرد هیچ موضوعی در ارتباط با آمریکا نیست و نیازی به مذاکره نیست اما امروز همان جملاتی را به زبان می‌آورد که رئیس دولت دوازدهم مطرح می‌کرد و هیچ تفاوتی با آن گفت‌وگوها وجود ندارد در حالی که منتقد رئیس دولت دوازدهم بود. رئیس‌جمهوری باید بپذیرد که مواضع گذشته‌اش اشتباه بوده است. با این وجود وزیرخارجه با صبوری و با احترام به مخالفین سعی کرد ایران را به یک توافق برساند. وزیرخارجه به درستی در حال تلاش است تا یک مسیر ناهموار را هموار کند تا مذاکرات به نتیجه برسد. وزیرخارجه امروز در مذاکره با ۴+۱ و در ادامه مذاکره با آمریکا یک خط مشی درست را انتخاب کرده است که در راستای منافع ملی ایران است. مخالفین امروز وزیرخارجه کسانی هستند که از تحریم‌ها و دشمنی آمریکا با ایران سود می‌برند زیرا ملت از این تحریم‌ها و دشمنی‌ها فقط ضرر کرده‌اند و هیچ سودی برای آن‌ها نداشته است. اگر امروز مسیری انتخاب شود که در آن مسیر عزت ایران و زندگی بهتر برای مردم فراهم شود و دشمنی‌های مخالفین ایران را متوقف کند، قاعدتا نباید کسی با این مسیر مخالف باشد. به همین علت نوع صحبت‌های وزیرخارجه ایران را باید سنجیده، اصولی و از روی وطن‌دوستی دانست که برای پیشرفت کشور موثر است. به همین علت باید صحبت‌های وزیرخارجه را خوب و قابل تقدیر دانست.

**یکی از موارد اختلافی در مذاکرات وین مساله اسنپ‌بک است، آیا به واقع وجود مکانیزم ماشه در توافق به ضرر ایران است؟**

مکانیزم ماشه هیچ گاه با وجود اینکه در توافق سال ۲۰۱۵ وجود داشت اما علیه ایران فعال نشد و این برخلاف نگرانی‌های امروز است. در هیچ شرایطی مکانیزم ماشه فعال نشد. حتی زمانی که ایران تعهدات هسته‌ای خود را کاهش داد و حتی زمانی که تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران لغو شد، باز هم مکانیزم ماشه علیه ایران فعال نشد. رژیم ترامپ با تمام دشمنی‌اش نتوانست از مکانیزم ماشه استفاده کند و به همین علت نباید خیلی نگران این مساله بود زیرا در آن برهه زمانی خواب‌های بسیار بدتری برای ایران دیده بودند که حتی پیشنهاد دهنده یکی از آنها روسیه بود. روسیه و فرانسه در برهه‌ای از زمان پیشنهاد داده بودند که هر ۶ ماه یک بار توافق در شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد و در خصوص آن رای‌گیری شود که این مساله از توافق حذف شد. با این وجود اگر تیم مذاکره کننده بتواند شرایطی فراهم کند که توافق بهتری نصیب ایران شود همه استقبال می‌کنند اما برداشتی که تا به امروز می‌توان از مذاکرات داشت این است که تا به امروز چنین چیزی ممکن نیست. ایران در حال حرکت به سمت توافقی است که در ۷ ماه پیش نیز دولت روحانی می‌توانست به آن دست پیدا کند. اگر موارد بیشتری نسبت به آن دوران برای ایران به‌دست آید قطعا قابل تقدیر است و باید از آن حمایت کرد. تاکنون امتیاز بیشتری به‌دست نیاورده‌ایم مگر اینکه تیم مذاکره کننده بتواند مسیر نهایی رایزنی‌ها را به سمتی هدایت کند که آمریکا یک تضمین جدی برای حفظ توافق دهد که آمریکا نیز تاکنون این امر را نپذیرفته است. قطعا امروز از موفقیت تیم مذاکره کننده خوشحال خواهیم شد زیرا موجب تامین منافع ملی ایران می‌شود.